**بینش پسااستعماری در مبارزه با چالش امپریالیستی**

**(با تکیه بر نقش استراتژیکی سردار سلیمانی)**

**چکیده**

استعمارگرایی همچون امپریالیسم در برگیرندۀ کنترل سیاسی، اقتصادی در یک منطقۀ وابسته است. استعمار به فراتر از محل­های سکونت سیاسی تجاوز می­کند و تأثیراتش بر زبان، آموزش، مذهب، هنر، و به طور روزافزون بر فرهنگ عمومی سایه می­افکند. تحولات راهبردی منطقه خاورمیانه به عنوان محور اصلی موازنۀ قدرت در منطقه و جهان اسلام توجه بازیگران عرصه سیاست بین الملل را به خود مجذوب داشته است و هر یک از این بازیگران برای توسعه و نفوذ در خاورمیانه و دسترسی به اهداف خود به رقابت پرداخته­اند. امریکا بازیگر اصلی خاورمیانه با کنترل و در دست گرفتن نبض امنیت سیاسی و اقتصادی منطقه، سعی در ممانعت از قدرت گرفتن دیگر رقیبان و ایجاد توازن در منطقه داشته است؛ کشور ایران به عنوان ابر قدرت منطقه نسبت به حوادث خاورمیانه بی­تفاوت نبوده و با نقش­آفرینی و حضور در جبهه­های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ، در مقابل هرگونه بی­عدالتی و سیاست­های عوام فریبانه دشمنان اسلام و ایران عکس­العمل نشان داده است. مقالۀ حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی انواع استعمار و ایدئولوژی­های امپریالیسمی دشمنان و نقش شهید سلیمانی در خنثی نمودن تاکتیک­های دشمنان در جلوگیری از استثمار و بهره‌کشی از منطقه پرداخته است. شخصیت این شهید والا مقام به عنوان اسوۀ شجاعت، ایثار و فداکاری و رشادت­های وی در مقابله با استعمارگری دشمنان اسلام و ایران در برقراری أمنیت در جهان اسلام و بویژه منطقۀ خاورمیانه بسیار تأثیرگذار بوده است.

**واژگان کلیدی:** استعمارستیزی، امپریالیسم، خاورمیانه، استراتژیک، شهید قاسم سلیمانی.

**1- مقدمه**

مارگات کوهن در کتاب«نظریه­های سیاسی استعمارزدایی» استعمارگری را تسلطی می­داند که فرد یا گروهی را مطیع فرد یا گروه دیگر قرار می­دهد. کوهن، یکی از مشکلات را که بر سر راه تعریف استعمارگرایی وجود دارد، سختی تمیز آن از امپریالیسم می­داند؛ زیرا اغلب این دو واژه به عنوان مترادف استفاده می­شود. استعمارگرایی هم مانند امپریالیسم در برگیرنده کنترل سیاسی و اقتصادی بر یک منطقه وابسته است. اما با ریشه یابی هر کدام از این واژه­ها می­توان به تفاوت آنها پی برد. واژۀ استعمار colny از کلمه لاتین colonus به معنای کشاورز می­آید. استعمارگرایی معمولاً به معنای انتقال یک جمعیت به منطقه­های جدید است که در آن تازه واردان مانند ساکنان اصلی آن سرزمین زندگی می­کنند، در حالی که وفاداری خود را به سرزمین اصلیشان حفظ نموده­اند. امپریالیسم از ریشه لاتین Imperium به معنی «امر کردن» است. در نتیجه امپریالیسم، راه و روشی برای اعمال قدرت بر دیگری است که می­توان از طریق اسکان، حکومت مستقل و یا هر شیوه کنترل غیر مستقیم صورت گیرد. (Kohn,2014:18) پسا استعمارگرایی از نظر مور گیلبرت همانند پسا مدرنیسم و پساساختارگرایی دارای اصولی انتقادی منحصر به خود است که ارائه تعریفی روشن و واضح از آنها سخت به نظر می­رسد. این نظریه به تجارب استعمارگرایی و گذشته و حال آن در لایه­های مختلف فرهنگی می­پردازد.

پسا استعمارگرایی معمولا به مباحثی چون برده­داری، مهاجرت، سرکوب و مقاومت، تبعیض، نژادپرستی، جنسیت و ... در حوزه مطالعاتی رشته­هایی چون تاریخ، فلسفه، مردم­شناسی و زبان شناسی می­پردازد. از این روست که حوزه مطالعاتی پسا استعمارگرایی بسیار وسیع و گستره است. (Bart-Moorc, 1997) هلن گیلبرت معتقد است که این واژه اغلب بد فهمیده می­شود و به عنوان مفهومی موقتی و به معنای دوران بعد از از بین رفتن استعمار است و یا دورانی که از لحاظ سیاسی با نام روز استقلال خوانده می­شود که یک کشور از سلطه کشور و یا کشورهایی دیگر خارج شده است. استعمار به فراتر از محل­های سکونت سیاسی تجاوز می­کند. تأثیراتش بر زبان، آموزش، مذهب، هنر و به‌طور روزافزون بر فرهنگ عمومی سایه می­افکند. با این توصیفات، تئوری پسااستعماری باید پاسخی باشد به چیزی بیش از ساختاری زمانی صرف پس از استقلال و یا حتی کمی بیشتر پرداختن به تجربیات پراکنده امپریالیسم. (Gibert, 1996:15) تغییر و تحولات حوادث راهبردی در منطقه خاورمیانه را می­توان به عنوان محور اصلی تغییر در موازنه قدرت در منطقه و جهان اسلام دانست. منطقه­ای که تمرکز و توجه بسیاری از بازیگران بین­المللی را به خود معطوف کرده است. موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ذخایر عظیم انرژی، از مهمترین عواملی است که باعث اهمیت مضاعف این منطقه شده است. از این رو هر کدام از بازیگران و سازمان­های بین المللی، منطقه­ای و فرامنطقه­ای، برای توسعه نفوذ و حضور در خاورمیانه به رقابت پرداخته و در صدد دستیابی به منافع و اهداف خاص خود در منطقه هستند. (مصلی نژاد،35:1391). امریکا بازیگر اصلی خاورمیانه، با جلب توجه دیگر بازیگران، امنیت سیاسی و اقتصادی منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده است. این کشور استعمار­گر با کنترل دیگر رقیبان و سعی در ایجاد توازن در منطقه و جلوگیری از قدرت گرفتن کشورهای دیگر در نقش ابر قدرت شده است. ایران در نقش ابر قدرت منطقه، نسبت به حوادث منطقه بی­تفاوت نبوده است و در مقابل هر نوع بی­عدالتی و سیاست­های بیگانگان عکس العمل نشان داده است. از آنجایی که حرکت در مسیر انقلاب و مقابله با توطئه­های دشمنان و پایبندی به آرمان­های انقلاب، برای ادامه دهنده این مسیر یک هدف محسوب می­شود، سردار شهید، حاج قاسم سلیمانی با اندیشه انقلابی و وابستگی به نظام مقدس جمهوری اسلامی، در جبهه حق علیه باطن شرکت نموده و در امنیت سیاسی و اقتصادی منطقه نقش مهم و تأثیرگذاری داشته است. بنابراین پژوهش حاضر با رونمایی از رشادت­های این شهید والا مقام در مبارزه با استعمارگری و استعمار ستیزی با تکیه بر استراتژی­های ضد استثماری جبهه دشمن، در در پی جواب دادن به سوالات زیر است:

1- ایدئولوژی امپریالیسم در عصر نوین برای استثمار خاورمیانه و جهان اسلام شامل چه نوع استثماری است؟

2- سردار سلیمانی از چه عناصری برای خنثی نمودن افکار استعمارگرانۀ دشمن برای استقلال بخشیدن به منطقه بهره برده است؟

**2- پیشینه پژوهش**

در رابطه با شخصیت سردار سلیمانی در موضوعات مختلف و نیز بحث استعمار و استعمارستیزی پژوهش­های چندی صورت گرفته است؛ از جمله پژوهش­های صورت گرفته در مورد شخصیت سردار و موضوعات استعمار می­توان به موارد زیر اشاره کرد: «واکاوی رهبری سردار شهید حاج قاسم سلیمانی الگوی متعالی رهبری خدمتگزار»(1399) نوشته میثم قراباغی و محمد ازگلی که به نقش رهبری حاج قاسم به عنوان مصداقی متعالی از رهبری خدمتگزار در نابودی داعش و و سبکی متناسب با ذات انقلاب اسلامی اشاره می­کند. و «بررسی تاکتیک­های جنگ روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پس از ترور سردار شهید قاسم سلیمانی»(1399)از علی باقری و محسن شفیعی که به تایتیک­های روانی ترامپ علیه ایران پرداخته است و مواردی همچون دشمن‌سازی و تفرقه‌افکنی و فرافکنی و ... را به عنوان مصادیقی از جنگ روانی ترامپ معرفی کرده است. پژوهش حاضر، نخستین پژوهشی است که موضوع استعمارستیزی را در برابر امپریالیست استعمارگر از حیث نقش محوری سردار سلیمانی مورد بررسی قرار می­دهد.

**3- زندگی حاج قاسم**

شهید حاج قاسم سلیمانی 20 اسفند ماه سال 1335 در روستای قنات ملک از توابع رابر کرمان در یک خانواده کارگری چشم به جهان گشود. 11 سال بیشتر نداشت که پس از پایان تحصیلات ابتدایی به کرمان رفت. پس از اخذ دیپلم به شغل بنایی مشغول شد و بعدها فعالیت خود را به عنوان پیمانکار در اداره آب کرمان آغاز کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357 همزمان با پیمانکاری در اداره آب کرمان به صورت افتخاری در عضویت سپاه کرمان در آمد. پیش از آغاز دفاع مقدس و با شورش کردها به مناطق غرب کشور رفت. در حوادث انقلاب اسلامی ایران با روحانی مشهدی به نام رضا کامیاب آشنا شد که او را وارد جریانات انقلاب کرد. سهراب سلیمانی برادر شهید می­گوید که او یکی از گردانندگان اصلی راهپیمایی­های کرمان در زمان انقلاب بود. هنگامی که عراق در سال 1357 به ایران حمله کرد، حاج قاسم سلیمانی چندین گردان از کرمان را آموزش داد و به همراه آنان راهی مناطق عملیاتی جنوب کشور شد. او حتی در دوره­ای فرماندهی سپاه آذربایجان غربی را نیز برعهده داشت. (کرامتی مشکینی، 1399:21) اواخر سال 1360 سردار سرلشکر پاسدار محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران طی حکمی سردار سلیمانی را به فرماندهی تیپ ثارالله منصوب کرد. او بسیار زیرک بود و با استفاده از همین ویژگی در عملیات­های مختلفی همچون والفجر8، کربلای5، تل شلمچه و چندین عملیات دیگر بسیار موفق عمل کرد که حاصل آنکارنامه درخشان در این دوران بود. سردار سلیمانی با تشکیل محور مقاومت با نیروهایی مانند جنبش النجباء و کتائب حزب الله و همچنین حشدالشعبی در عراق و گروهایی نظیر بسیج مردمی و اتحاد آنها با مدافعان حرم از ایران و تیپ فاطمیون و زینبیون در مقابل داعش ایستادگی کرد و در نهایت با رشادت­های فراوان در حالی که به گفته بسیاری از فرماندهان نظامی، داعش تا پشت دروازه­های کاخ ریاست جمهوری سوریه رسیده بودند و هیچ کس فکر نمی­کرد که دیگر امیدی به شکست داعش باشد؛ سردار سلیمانی به همراه مدافعان حرم ایستاد و مانع از گسترش و ظهور بیشتر داعش در منطقه غرب آسیا شد. (همان، 28:1399)

**4- مطالعات پسا استعماری**

مطالعات پسا استعماری از جدید­ترین حوزه­های مطالعات انتقادی جدید است. مجموعه دیدگاه­هایی که پیامدهای گونه­های استعمار و گفتمان­های مقاومتی شکل­گرفته در برابر آن را مورد باز اندیشی واسازانه قرار می­دهد. در جهان معاصر تأثیرات استعمار و پیامد­های امپریالیسم فرهنگی یا استعمار هژمونیک در زیست فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مردم سراسر جهان نفوذ یافته است و محدودیت­های جغرافیایی مانند هند، افریقا، امریکای لاتین، خاورمیانه و بخش­هایی از آسیا و اروپا بیشتر تحت استیلا و سیادت استراتژی­های جهان غرب قرار دارند. رابرت یانگ از نویسندگان این حوزه معتقد است. پسااستعمارگری بیانگر پیوستاری است که از مبارزه­های ضد استعماری عصر استعمار الهام می­گیرد. (نک: شاهمیری، 18:1389) مطالعات پسا استعماری از منظر علوم مختلف تعریف و به کارگیری شده است؛ اما کاربرد آن بیشتر در حیطه نقد ادبی بوده است. ادبیات ملی و منطقه­ای، ادبیات میان منطقه­ای، ادبیات قومی و نژادی، ادبیات تطبیقی، ادبیات دو رگه بودگی و اختلاط فرهنگی، ادبیات فمنیستی، ادبیات کشورهای مشترک المنافع و ... از انواع ادبیات پسااستعماری است. (نک: وطن آبادی، 1388: 32-33) در جهان امروز انگاره­های مدرنیته در بافت­های مختلفی در زندگی مردم تولید و بازتولید می­شوند. نقد پسا استعماری تلاشی در جهت شناخته شدن در پی «دخالت رسانه در گفتمان­های غربی مدرنیته و از هم گسستن آنهاست» (پری،207:1391) تلاشی برای تثبیت حضور خود تا غیریت انکار شده غیر غربی به رسمیت شناخته شود و با نوعی نگرش و عملکرد تعامل گرای آگاهانه و هدفمند تأثیری متقابل و تعاملی با جهان علم برقرار سازد که مبتنی بر طرد، خصومت و انکار نباشد. از دیگر انگیزه­ها یا دیگر اهداف اساسی این شاخۀ مطالعاتی ارائه خوانشی مقاومت­آمیز در برابر اشکال قدرت استعماری، نواستعماری، مردسالاری و بر هم زدن مبانی شناختی و ادعاهای حقیقتمندی این قدرت­ها است. (حاجتی 54:1398) أهمیت محوری مطالعات پسااستعماری در ایستادن و تأکید آن بر به چالش کشیدن، متزلزل ساختن، و نگرش و خوانش واسازانه از بنیان­های ذات­گرایانه تقابلی شرق و غرب، فراتری و فروتری، مرکز و حاشیه، غالب و مغلوب، بومی و جهانی و نظایر آن است و می­کوشد با ایستادن در جایگاه فضای سومی خارج از موقعیت فرودستی، نه از طریق دگرسازی و تکیه بر هر گونه بنیادگرایی، ذات­گرایی و بومی گرایی انزواطلبانه و انحصارگر شرقی و اسلامی، الگویی از تلفیق و پیوند خوردگی ارائه نماید. هدف مطالعات پسا استعماری تلاش برای آشکار کردن و از جا کندن انگاره طبیعی شده اروپا محوری یا غرب مداری است (همان). در شرایط کنونی جهان گریبانگیر تنوع گرایی در عرصه مختلف فرهنگی، اعم از نژادگرایی، جنسیت، زبان، می­باشد تا به نحوی استعمار نو را در بطن وجود خود حس کند؛ کشور ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه نیز با حضور اخلال گران و مخالفان اسلام در منطقه و تبلیغات ضد فرهنگی رو به سوی استعمار نوینی دارد که مخل فرهنگ اسلامی است. وجود حامیان راه اسلام و مبارزان جبهه حق و حقیقت پرورش دهنده افرادی چون سردار سلیمانی و یارانش می­باشد تا با حضور در نبرد علیه دشمنان، مبلغ و تثبیت کننده فرهنگ دینی و افکار اسلامی در برابر استعمارگران بیگانه باشند.

**5- ارتباط میان ادبیات مقاومت و استعمار**

ادب مقاومت برخلاف تصور، مویه و زاری و نوامیدی نیست، بلکه تابشی است انقلابی و پیوسته و امیدی است شگفت انگیز که از رخدادهای سیاسی در جهان عرب تأثیر می­پذیرد و آنها را متمم مسأله و موضوع خود و پرداختن به آنها را بخشی از مسئولیتهای خویش می­داند. (کفانی، 36:2013). در سنوات اخیر، با توجه به تشکیل گروهک تروریستی داعش و انجام عملیات­های مخرب و وحشانه و همچنین تنش و کشمکش کشورهای خاورمیانه بر سر منافع خویش در سایر کشورها، سران دولت­های مسلمان را بر آن داشت تا با تشکیل محور مقاومت، از حقوق تضیع شده آنان دفاع نماید و به سلطه کشورهای استعمارگر یاغی در منطقه خاتمه دهند.

در این میان، سردار قاسم سلیمانی به عنوان مرکز ثقل محور مقاومت، وظیفه تشکیل و فرماندهی گروهها و احزاب مقاومت را بر عهده داشت. تلاش­ها و دلاوری­های بی ­باکانه ایشان و همرزمانش منجر به حصول حلقه گمشده اتحاد و فریاد تظلم خواهی در بین آزادی خواهان سراسر جهان گشت. نتیجه این روحیه جهاد بی­وقفه در جغرافیای سرزمین­های اسلامی، نابودی داعش، پیروزی جبهه اسلام، تقویت پایه­های محور مقاومت و آبیاری درخت تنومند و پربار اسلام به واسطه خون پاک این شهید بود. پس از شهادت سردار سلیمانی امواج سهمگین خشم و غضب مسلمانان جهان، دامن دنیا طلبان زورگو را گرفت. (ملا ابراهیمی و دیگران، (1399) سردار سلیمانی در طول سالهای پر بار انقلاب اسلامی بارها باعث شکست و سرکوب نقشه­های شوم استکبار و کشورهای استعمارگر شده بود؛ کشور آمریکا با همکاری رژیم اشغالگر صهیونیستی با وحشی­گری تمام با شهادت حاج قاسم، اوج وحشیگری و رذالت خود را بر همگان آشکار کردند. اما با وجود شهادت سردار، تاریخ ما همچنان در راه نابودی استعمار و استکبار جهانی گام برمی­دارد و سلیمانی­هایی هستند که راه وی را ادامه دهند و طومار کشورهای استعمارگر را در هم بپیچند.

**6- ایدئولوژی استعماری (انواع استعمار)**

ایدئولوژی در یک تعریف «نظامی از ایده­هاست که ساختار چندگانه یک جامعه را توضیح می­دهد یا به آن معنا می­بخشد» (اشکرافت و دیگران، 313:1395) معنا بخشی ایدئولوژیکی می­تواند در قالب اعمال سلطه از جانب قدرت­های حاکمیتی یا ضدیت با آن از سوی قدرت­های مردمی تعیین پذیرد. ایدئولوژی ضد استعماری عمدتاً بر حسب گفتمان­های روشنگری انقلابی و ملی گرایی سامان می­یابد. و از حقوق شهروندی، برابری، برادری، آزادی و عدالت سخن می­گوید. (نک: کریسمن، 34:1386)

خیزش امپریالیسم استعمارگر که ریشه در شکل سیاسی دولت- ملت­های اروپایی دارد به همراه گسترش سرمایه­داری در دوران مدرن به وقوع پیوست و اگرچه همچنان در اشکال مختلف سلطه­گری حضور دارد، چهره جدید قدرت اقتصادی و فرهنگی غرب، استیلای خود را از طریق فرایند جهانی سازی مطلوب خویش که از آن به غربی سازی هم تعبیر شده است، با حاکمیت شبکه­های بزرگ و چند ملیتی، استثمار و غارت ملت محروم به منظور انباشت سرمایه بیشتر و ترویج آداب و عادات مدرن غربی تداوم بخشیده است. (نک: ادگار و سج­ویک، 1387: 80-81) امپریالیسم جدید کشورهای استعمارگر نمونه بارز استعمار نوین در بعد اقتصادی است که دامنه نفوذش به جنبه­های مختلف سیاسی و نظامی و فرهنگی و علمی نیز سرک می­کشد. استفاده از صنعت و تکنولوژی و تولید انبوه کالاها و وابسته کردن کشورهای ضعیف به خود، مستعمره را تسلیم خواسته­های استعمارگران می­کند.

**6-1- بعد سیاسی استعمار**

ما به لحاظ سیاسی- نظامی همچنان در جهان، با یک ابر قدرت به سر می­بریم؛ اما در سایر ابعاد صنعتی، مالی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی،- قدرت در حال جابه­جایی و فاصله گرفتن از سلطه آمریکایی است (...) و ما در حال گام نهادن به جهان پسا – امریکایی هستیم» (زکریا، 1393: 6-7) انقلاب جمهوری اسلامی ایران با شعار نه شرقی نه غربی و مبتنی بر آموزه­های وحیانی و عقلانی در ادامه خط انبیاء و اولیاء الهی و با استراتژی­های استراتژیک در راستای فراهم سازی زمینه­های ولایت عظیمی، نظام نوین جهانی و هژمونیک طلبان نو گرا را، به چالش کشید، جهان دو قطبی را به سه قطبی تقسیم کرد و شعار بلندپروازی­های استکباری را در عرصه­های منطقه­ای و جهانی خفه کردند. انقلاب اسلامی ایران بازتاب دهنده ارزشهای اعتقادی شیعه در حوزه ایدئولوژیک وسیاسی، تبلور کامل حکومت نبوی و نماد ناب سیاست علوی است. (اخلاقی:24:1399) بازتاب این انقلاب شکوهمند را می­توان در توان نظامی ایران در منطقه و مبارزه با هر نوع استکبار و استثمار شاهد بود. وجود مبارزان انقلابی در خارج از مرزها و بیرون راندن مخالفان ایران و اسلام همچون امریکا و داعش توسط سربازان میدان نبرد، نمونه بارز اندیشه انقلاب اسلامی ما است.

**6-1- 1-داعش**

استعمار که انواع مختلفی از جمله کهن، نو و فرانو را در طول تاریخ طی کرده است، در عصر نوین بار دیگر در قالب ترکیبی از استعمار کهن و نو بروز می­کند تا شاهد حضور ارتشی به نام داعش در منطقه باشیم. اگرچه پدید آورندگان داعش، آن را برای تغییر موازنه قدرت در منطقه پدید آوردند، اما نقش استراتژیک و محوری نیروهای مقاومت ایران در منطقه معادلات ذهنی و تاکتیکی آنها را بر هم زد و نتیجه­ای جز سرنگونی آن توسط سردار سپهبد حاج قاسم و نیروهایش در بر نداشت. روزنامه الشرق الاوسط در یادداشتی با ارزیابی ضریب نفوذ ایران نوشت، «احزاب دینی شیعی در عراق در رأس قدرت­اند و حکومت این کشور را تشکیل می­دهند و نفوذ ایران در این کشور، از لحاظ سیاسی و نظامی بسیار بالا است. شبه نظامیان مطرح عراق، همگی پشتیبان ایران هستند و دیگر برای همه روشن است که تداوم حرکت سیاسی و ثبات عراق به موضع ایران بستگی دارد. در لبنان حزب الله به عنوان مهمترین جریان سیاسی، نظامی ایران، در حال حاضر دولت را در اختیار دارد و توانسته است از پس رقبای خود برآید. در یمن، حوثی­ها به کمک ایران بازسازی و سازماندهی شده­اند. در بحرین جنبش الوفاق به ایران بسیار تمایل دارد. در کویت و عربستان نیز گروه­هایی هستند که ایران را ملجأ فکری خود می­دانند. از این نمونه­ها در منطقه بسیار است.» (روحی دهنبه، مرادی کلاره، 1394، ص286)

**6-2- بعد فرهنگی استعمار**

از دیدگاه سزر، هر گاه یک نظام سیاسی و اجتماعی خاص تصمیم بر سلب اختیار سیاسی از یک ملت بگیرد، به طور هم­زمان و خودکار قوه خلاقیت را نیز از آن مردم می­رباید. به همین دلیل، استقرار نظام استعماری در هر زمان و در هر سرزمینی که صورت گرفته، ملت آنجا را از فرهنگشان، و اساسا از هر نوع فرهنگی، تهی ساخته است. از دیدگاه سزر، اگر بخواهیم فرهنگ را از بیرون تعریف کنیم، باید آن را به عنوان مجموعه ارزشهای مادی و معنوی خلق شده توسط یک جامعه در طول تاریخ بدانیم. در چنین تعریفی، ارزشها عناصر متنوع و متعددی را در بر می­گیرند، از جمله فنون، نهادهای سیاسی، زبان، مد، هنرها، علوم، و مذاهب. اما اگر بخواهیم فرهنگ را به عنوان یک غایت در نظر بگیریم و آن را با توجه به خصلت پویای­اش تعریف کنیم، می­توانیم آن را به منزله تلاش و کوششی بدانیم که هر گروه انسانی برای بدست آوردن نوعی از غنا و تشخیص انجام می­دهد. (رضوان­طلب و مهرابی، 401:1397) شریعتی در واکنش ضد استعماری، دغدغه تجدید حیات اسلام در دنیای مدرن را داشت و عصر جدید را عصر بحران و تعارض ارزش­های مادی و معنوی به علت طرد ارزش­های معنوی می­دانست. (نک: شریعتی،293:1359-300) جمهوری اسلامی بر مبنای سیاست­های استعمار زدایی و همزیستی مسالمت­آمیز با در دست داشتن ابزار قدرت مردمی در برابر استکبار جهانی از آرمانهای انقلاب و اسلام واقعی قد علم کرده و سردار سلیمانی مرد استراتژیک میدان مقاومت، با اندیشه پاسداشت از آرمانهای عدالت­خواهانه و برقراری امنیت در محافظت از فرهنگ برجسته اسلامی و با تاکتیک­های خردمندانه، از ارزشهای والای انسانی دفاع کرده است.

**6-2-1- جنگ نرم**

جنگ نرم همانند جنگ سخت اهداف گوناگونی دارد و قاعدتاً هدف غایی هر دوی آنها، تغییر کامل نظام سیاسی یک کشور است که البته با اهداف محدودتر هم انجام می­گیرد. در جنگ نرم به جای سخت افزار، از نرم افزارهای رسانه­ای چون رادیوها، تلویزیون، پارازیت، خبرگزاریها، اینترنت، ماهواره، ابزارهای دیجیتال و ... استفاده می­شود. از دیرباز در مقایسه میان این دو جنگ گفته­اند: متقاعد ساختن یک نفر به پیوستن به شما بسیار ارزان­تر از کشتن او تمام می­شود. واژه­ها بسیار کم هزینه­تر از گلوله­های تفنگ هستند؛ تا چه برسد به گلوله­های توپ و بمب­ها. از سویی نیز با کشتن آن شخص، شما تنها دشمن را از داشتن یک سرباز محروم می­کنید؛ حال آنکه اگر او متقاعد شود به نیروهای دولتی بپیوندد، هم به ضرر دشمن و هم به نفع نیروهای دولتی است و این به معنای کسب دو امتیاز با یک حرکت است. ( فولادی،14:1393) بنابراین جنگ نرم که با اهداف مختلف سیاسی و اقتصادی و فرهنگی صورت می­گیرد، ابتدا بعد فرهنگ هر جامعه و ملتی را دستخوش تغییر و تحول می­کند و با ریشه در باورها و عقاید یک ملت، افکار و اندیشه­های مردم آن سرزمین را دچار تغییر می­کند و ارزش­های ان سرزمین را متناسب با اهداف جامعه استعمارگر تغییر می­دهد.

**6-3- بعد اقتصادی استعمار**

جهانی شدن اقتصادی به تبع فعالیت­های سرمایه داری، تولید کالا و سودآوری در خدمت منابع قدرت­های غربی است که در بعد سیاسی نیز ادعای تشکیل حکومت جهانی از جانب آمریکا را دارد. در بعد فرهنگی، غرب با در اختیار داشتن پایگاه رسانه­های ارتباطی، ابزارهای تکنولوژی، ترویج فرهنگ مصرفی و القای تفکرات غربی و فرهنگ سازی برای جهان غیر غرب، روند غربی سازی پنهان قدرت­های جهانی را تشدید کرده است. (حاجتی، 44:1399) امروزه اقتصاد هر مملکتی سنگ بنیای اولیه و حافظ امنیت ملی آن سرزمین است؛ چرا که اقتصاد تمام ارزشهای مادی و معنوی دیگر را تحت تأثیر قرار می­دهد. از جمله سیاست­های کشورهای امپریالیستی و استعمارگر به ویژه آمریکا در جنگ نرم، در اختیار گرفتن رسانه­ها برای آشفته جلوه دادن اقتصاد کشورهای جهان سوم و به تبع آن کشورهای اسلامی است. پوشش­های خبری در قالب­های مختلف رسانه­ای برای جلوه دادن گرانی و تورم، زیرساخت­های ضعیف اقتصادی، شکست دولتها در کنترل مشکلات اقتصاد و نا کارآمدی دولت، خبرهای تأثیر گذاری است که اقتصاد یک سرزمین را دچار تشویش و بحران می­کند. وجود رسانه­های اسلامی و ایرانی، تبلیغات ضد امپریالیستی، مطالعات و نقد پسا استعماری و حامیان صیانت از اسلام و رهبری، از جمله مبارزانی چون حاج قاسم، پرده از افکار شوم استعمار بر می­دارد و در خنثی کردن مسیر استعمار گام برمی­دارند.

**6-3-1- مصرف گرایی**

امپریالیسم با اندیشه استعمارگرایی اگر چه در قالب استعمار کهن و حمله سیاسی و یا در قالب استعمار نو و حمله رسانه­ای باشد، اما اهداف مشترکی را دنبال می­کند که اقتصاد سرزمینی را تحت سیطره خود قرار دهد و در غارت آن سرزمین از رقیبان پیشتاز باشد. ترویج اندیشه مصرف گرایی با تبلیغات مختلف خبری، مردم را به مصرف کالاهایی سوق می­دهد که از تولید جا مانده و وابستگی به استعمارگر را برایشان رقم می­زند. شرکت­های بزرگ تولید کننده با تبلیغ محصولات خود به انحای گوناگون سعی در ازدیاد مشتری دارند. فراوانی و تولید این کالاهای گاه غیر ضروری، حجم بالای تبلیغات تولید کنندگان را توجیه می­کند. ماهواره یکی از ابزارهای تحقق خواسته­های آنان در جلب متقاضی است. این ابزرا با پوشش گسترده خود می­تواند با نفوذ در بین خانواده­ها مبلغ خوبی برای انواع کالاهای تجاری باشد و در نقش فرد سوم، نظر خود را بر آن تحمیل کند؛ به این ترتیب رأی پدر به عنوان تصمیم گیرنده اصلی به کمرنگی می­گراید. ثروتمندان ضمن به تصویر کشیدن زندگی افراد متمول، با نگاهی گذرا به مشاغل این گروه، هم و غم خود را مصروف انعکاس سبک زندگی، امکانات رفاهی، سرگرمی­ها و بریز و بپاش­های آنها می­کند. اثرات نامطلوب روانی برنامه­هایی از این دست بر خانواده­های ایرانی از که سطح اقتصادی بالایی برخوردار نیستند، در قالب احساس یأس و پریشانی خاطر بروز می­کند و خوش بینانه­ترین حالت، مروج مصرف گرایی و خریدهای بی مورد و اضافی در این گروه است. (فولادی،88:1393)

**7- مؤلفه‌های استراتژیکی سردار سلیمانی**

**7-1- وطن پرستی**

وطن، مبدأ و مبنایی است که بیانگر عشق و علاقه انسان به وطن و آمادگی او جهت خدمت به آن می­باشد، حس میهن دوستی، انسان را به سوی زادگاه، زبان مادری و آداب و رسوم ملی­اش می­کشاند و باعث توجه و اهتمام فرد به سرنوشت کشوری که سراسر زندگی­اش بدان مرتبط است می­شود. سردار حاج قاسم سلیمانی ورای سابقه نظامی، دارای منشی اخلاقی و انسانی، شخصیتی کاریزماتیک و روحیه­ای فداکارانه و وطن دوست بود که باعث شد او از همان ابتدای جوانی تا لحظه شهادت در مسیر دفاع از وطن گام بردارد و پس از پایان جنگ تحمیلی با مدیریت هوشمندانه و شجاعانه سپاه قدس، یاری رسان مردم منطقه بود و در مبارزه بی­امان با فتنه داعش، نقش بی­بدیل ایفا کرد. یکی از ویژگی­ها و دلایل محبوبیت حاج قاسم سلیمانی در کنار جهاد چهل ساله و اخلاص و تواضع و فروتنی این بود که به رغم پایان جنگ و تهمید شرایط برای حضور در عرصه­های سیاسی، اقتصادی، و سایر عرصه­های مدیریتی هیچ گاه از رسالت اصلی خویش غافل نشد و همواره تلاش کرد در راستای مسئولیت قانونی و تخصص خود فعالیت کند و صلح و ثبات و امنیت را در منطقه بپروراند. (قنبری،2:1399) شهید سلیمانی در راه دفاع از وطن در جبهه­های نبرد، بارها تا مرز شهادت پیش می­رفت و انگیزه شهادت طلبی وی را سرداری شجاع و نترس لقب داده بود تا دیگر رزمندگان وجودش را همچون بنیانی مستحم در دفاع از بام میهن و نظام مقدس جمهوری اسلامی قلمداد کنند و در پاسداری از ایران عزیزمان از ارزشمندترین گوهر وجود، یعنی فدا کردن جان خویش دریغ نکنند.

**7-2- اتحاد منطقه­ای**

استعمارگران با استفاده از «ایجاد دولت­های کوچک قومی، توسل به قدرت نظامی، و تخریب برای تحقق اهداف، به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی از سوی کشورهای عربی و مطرح کردن تشیع به عنوان کانون تروریسم. یک دست سازی منطقه خاور میانه در جهت منافع غرب و آمریکا، هدف نهایی آمریکا بوده که زمانی عنوان «خاور بزرگ» و پس از ناکامی، با تغییر در تایتیک و شعار، «خاور جدید» به خود می­گیرد. (پور قیومی، 102:1386) آمریکا با تأکید بر سه مولفه رادیکالیسم اسلامی، تروریسم و تسحیلات کشتار جمعی و ترسیم تصویر مجازی و غیر واقعی از طریق رسانه­ها، می­کوشد تا زمینه­های شکل گیری اجتماع نسبی در نظام بین المللی را علیه جنبش­های اسلامی، مانند حزب الله لبنان، حماس و کشورهای مستقل مانند ایران فراهم سازد. (دلاورپور اقدام، 3:1386) اما ظهور بازیگر قدرتمندی چون ایران در منطقه و وجود نیروهای وابسته به ایران و اسلام همچون حزب الله و دیگر نیروهای بسیجی و مردمی، منطقه را برای استعمارگران به ظاهر نو دوست تبدیل به جهنمی می­کند، تا نتیجه­­ای همچون فروپاشی نظام هژمونی امپریالیسم آمریکایی و تسلط ایران در منطقه را رقم بزند. سردار سلیمانی با هوش بالا و توان نظامی خود، در سازماندهی نیروهای نظامی و بی اثر کردن تاکتیک­های جنگی دشمنان در میدان نبرد، تأثیری شگرف در امنیت منطقه ایجاد کرد؛ و نقش ایران را به عنوان قدرت اول منطقه و نیروهای ایرانی را پاسداران بنیادهای اسلامی بر همگان تثبیت کرد.

**7-3- دین محوری**

از آنجایی که اعتقادات و باورهای هر ملتی عامل ثبات و پایبندی آن جامعه در مقابل از هم گسیختگی است، بازیگران عرصه استعمار نو با نفوذ در باورهای مردمی و ایجاد شک و تردید در اذهان مردم نسبت به دین، موجی از اختلافات را در جامعه رقم می­زنند؛ که دین ستیزی، اخلاق شکنی، و ترویج اخلاق و فرهنگ بیگانه نتیجه آن خواهد بود. بنابراین تغییر در ماهیت دینی و سلب اعتماد مردم از نظام جمهوری، هدف غایی مخالفان جمهوری اسلامی است؛ و این اندیشه دشمنان ما را بر آن داشته تا دست از تلاش در راه زنده نگه داشتن آرمانهای اسلامی و پایبندی به عقاید دینی­مان، زره­ای درنگ به خود راه نداده و در این راه از نثار جانمان دریغ نکنیم. نمونه این جانفشانی را می­توان در اندیشه شهیدان راه اسلام و مدافعان حرم علی الخصوص شهید سلیمانی که با جان و دل از آرمانها و عقایدش دفاع کرد به وضوح دید.

**7-4- شجاعت**

ترکیب اخلاص و تواضع و از سویی دیگر، شجاعت و تدبیر نظامی، شخصیت تأثیر گذار و فوق­العاده­ای برای شهید سلیمانی به ارمغان آورده است:« مردمی بودن، آرام و خاکی بودن، قاطع، شجاع، نترس و مقتدر برای دشمنان، دوستدار فرزندان شهدا و ... همگی صفات برجسته و بارزی است که در وجود وی موج می­زند» (زراعتیان، 14/10/1398، <https://fars.iqna.ir/fa/news)؛> رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع مردم قم فرمودند: «اولاً شهید سلیمانی هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ صرف شجاع نبود... از همه اینها بالاتر، اخلاص او بود؛ با اخلاص بود، این ابزار شجاعت و ابزار تدبیر را برای خدا خرج می­کرد؛ اهل تظاهر و ریا و مانند اینها نبود.» (18/10/1398). تنها سخنان بزرگان گویای شجاعت و بی چون و چرای سردار نیست، بلکه عوام مردم آشکارا در مورد شجاعت بی بدیل این مرد بزرگ سخن می­گویند و وی را اسطوره­ای می­نامند که همتایی در شجاعت و اخلاص و مردانگی ندارد. حضور او در میدان نبرد و به جان خریدن خطراتی که هر لحظه ممکن بود وی را فرا گیرد، از شجاعت و عشق به شهادتی پرده بر می­دارد که تنها در وجود مردانی می­توان یافت که به دنیا و آنچه در آن است پشت پا می­زنند.

**7-5- هوش معنوی و نبوغ**

بعد معنوی انسان یکی از ضرورت­های عرصه انسان شناسی است. عنصر معنویت، امروز در رشته­های متنوعی از قبیل پزشکی، روانشناسی، انسان­شناسی، عصب­شناسی، و علوم شناختی در حال پیشرفت است. معنویت یک نیاز فطری و ذاتی است و با مذهب که مجموعه خاصی از باورها و اعتقادات است فرق دارد. از دیدگاه دانشمندان و پژوهشگران، سازه هوش معنوی یکی از جذاب­ترین فرایندهای روانی است که جلوه­های آن در موجودات مختلف به میزان متفاوت مشاهده می­شود. هوش معنوی یک مهارت اکتسابی متفاوت با معنویت و مذهب است. هوش معنوی عبارت است از میزان فهم افراد از واقعیت زندگی و حقیقت امور. همچنان که پیامبر اعظم (ص) دعا می­فرمایند: «الهم أرِني الأشياءَ كما هيَ» خداوندا حقیقت چیزها را به من نشان بده. (مجلسی، 1403ق، ج4، ص10) بنابراین هوش معنوی در باورها و عقاید و ارزشهای سردار سلیمانی، وی را به سردار دلها بدل می­کند و کارها و فعالت­های معنا بخشی که از وی سر می­زند، مسیر زندگی را برای دیگران رقم می­زند. درایت و هوش این شهید گرانقد، از طرفی جهان­بینی و خداشناسی را در وجودش پرورش می­دهد و از سویی دیگر شیوه درایت، نگرش، شجاعت و تدبیر را در وجود جوانان برای تقرب به خداوند پرورش می­داد.

**7-6- پایبندی به مذهب شیعه**

یکی از مبانی فکری اعتقادی سردار این است که اولین عامل سبب ساز موفقیت از دیروز تاکنون و در آینده، عامل مذهب است. این عامل به معنای طایفه گری و نادیده گرفتن دیگران نیست؛ بلکه به معنای محوریت دین در جامعه و توجه به معنویت و حاکمیت معنویت در جامعه است. مذهب عاملی نیست که انسان به یک جریان مذهبی تعلق دارد و بخواهد بر آن تأکید کند؛ بلکه اثرگذارترین عامل در شکل پذیری نیروهای متحد است. اگر ملتی انگیزه مذهبی نداشته باشند، شیرازه ملت متلاشی خواهد شد. هیچ عاملی به اندازه مذهب، در قبول ایثار و فداکاری اثر گذار نیست. (مهروان فر، 1397: 278-283) عقاید سردار و پایندی­اش به مذهب شیعه وی را در مسیری قرار می­دهد که خود را ادامه دهنده راه شهیدان اسلام بداند. همانگونه که در مورد وی آمده است: « روزی نبود، جایی نبود، لحظه­ای نبود که یاد یاران شهیدش برایش کم­رنگ شود، تا بود، برای وصال اشک می­ریخت و تمنای شهادت می­کرد» (طهماسبی و دیگران،22:1398) این پایندی به مکتب تشیع و الگو قرار دادن روش بزرگان دینی در سبک زندگی سردار، همواره راهنمای وی در سراسر زندگی پر بارش بوده و در عرصه­های مختلف زندگی از وی شخصیتی اسطوره­ای ساخته است تا دیگران نیز در مسیر انتخاب شده این شهید گرانقدر گام بردارند.

**7-7- اخلاص**

اخلاص را می­توان یکی از از مهمترین فضائل اخلاقی، بلکه اصلی­ترین فضیلت اخلاقی دانست که انسان به آن نیاز دارد. حقیقت اخلاص، انجام دادن عمل برای خدا و به انگیزه تقرب به اوست. راز محبوبیت سردار شهید حاج قاسم نیز اخلاص اوست. (رضاییان،1399:2) رهبر انقلاب اسلامی در مورد این شهید والا مقام فرموده­اند: «می­بیند مردم در مورد حاج قاسم چه کارها می­کنند؛ این جور دل­های مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این اخلاص است. اگر اخلاص نباشد، این جور دل­های مردم متوجه نمی­شود، دلها دست خداست؛ این که دلها اینجور متوجه می­شوند، نشان دهنده این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت.» (بیانات رهبری در منزل شهید حاج قاسم سلیمانی 13/10/1398) ما در سراسر زندی این شهید وارسته نظاره­گر ساده زیستی و زندگی به دور از تکبر و غرور وی در میان مردم عادی بودیم؛ هر گاه که جامعه دچار بحرانی می­شد و یا مردم در تنگنای زندگی خود را حس می­کردند، حاج قاسم خود را خادمی در میان ملت می­دید که هم با سخنانش و هم با کارهایش، انگیزه راحتی و آسایش مردم را فراهم می­کرد.

**7-8- مدیریت**

یکی از ارکان زندگی اجتماعی، مدیریت است. که تحقق اهداف فردی، گروهی و سازمانی را روشن می­کند. به خاطر برقراری هر چه مطلوب­تر این رفتارهای اجتماعی ایده­آل و پایمال نشدن حقوق، تعیین وظایف، معرفی حدود و رعایت حقوق ضرورت دارد که حق از باطل و راستی از کژی مشخص گردد. تفاوت عالم انسانیت با عالم حیوانیت ضرورت مدیریت را اثبات می­کند؛ زیرا از آغاز تا به امروز در هر کجا که چند نفر انسان گرد یکدیگر جمع شده­اند، نیاز به مدیریت در رأس امورشان قرار گرفته است. (سرمدی، 10:1385) انقلاب اسلامی در طی سالهای مختلف حکومتش همواره پرورش دهنده افکار جوانانی در عرصه­های مختلف زندگی مادی و معنوی بوده است که حاصل آن وجود مدیرانی مدبر و شخصیت­های همچون سردار دلها در عرصه­های مختلف مدیریت داخلی و خارجی بوده است. «نیرویی که می­خواهد انقلابی باشد، باید قدرت فهم روشمند و نظام­مند انقلاب را داشته باشد. آن هم در مقیاسی وسیع. کسی که بخواهد مدیرتر از انقلاب باشد نمی­تواند احکام نظامی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را فرا نگیرد. نمی­تواند در موضع اسلام و انقلاب هیچ تفکر و نظریه­ای نداشته باشد. باید در رابطه با تعاملات جهانی و روابط نظام اسلامی ورود داشته باشد. (مقام معظم رهبری، 2/2/1370) شهیدان همواره حامیان این مرز و بوم بوده­اند و با پشت و پا زدن به دنیای مادی و پایبندی به آرمان­های انقلاب و اسلام راستین، در مدیریت افکار خود در راه جهاد با دشمنان حضوری پررنگ داشته و با تمام توان در راه حق و حقیقت گام برداشته­اند. شهید سلیمانی در نگاه مردم مدیر و فرماندهی شجاع و با تدبیر لقب گرفته است چرا که موفقیت وی اثبات­گر القاب اوست و بعد از شهادتش هر ایرانی خود را سرداری می­دانست که باید ادامه دهنده راه این شهید باشد.

**8- نتیجه‌گیری:**

نتایج حاصل از پژوهش حاضر را می­توان در موارد زیر برشمرد:

1- در جهان معاصر تأثیرات استعمار و پیامد­های امپریالیسم فرهنگی یا استعمار هژمونیک در زیست فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مردم سراسر جهان نفوذ یافته است و محدودیت­های جغرافیایی مانند هند، افریقا، امریکای لاتین، خاورمیانه و بخش­هایی از آسیا و اروپا بیشتر تحت استیلا و سیادت استراتژی­های جهان غرب قرار دارند.

2- شهید سلیمانی شاگرد مکتب اسلام راستین و آینه تمام نمای دریای معرفت و صداقت، زندگی پربار خود را در عرصه­های مختلف، سیاسی، نظامی و ... وقف درخت پربار اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران داشته و از تمام توان خود در راه شکوفایی این نظام مقدس بهره گرفته است.

3- استعمار در انواع مختلف خود أعم از سیاسی(حضور داعش)، اقتصادی (ترویج فرهنگ مصرف گرایی و کالاهای غربی) و فرهنگی (جنگ نرم و فریب افکار عمومی) در منطقه سایه افکنده بود؛ که حضور سردار و نیروهای ضد استعمار در منطقه، در خنثی نمودن توطئه­های دشمنان در عرصه­های مختلف استعمار ستیزی از جمله عرصه سیاسی و پاک سازی منطقه از وجود پدیده شوم داعش نقش مهمی داشته است.

4- از مهمترین مؤلفه‌های استعمارستیزی که در وجود چهره‌هائی أثرگزار و برجسته از جمله شهید سلیمانی نهادینه شده عبارتند از:

- وطن پرستی و عشق و علاقه به آن با هدف پاسداری از سرزمین مادری و آداب و رسوم ملی و جلوگیری از تاراج این فرهنگ در مقابل جایگزینی آن با فرهنگ پوشالی غرب.

- اتحاد در منطقه و یکی کردن نیروهای مختلف مبارز، از جمله نیروهای بسیج مردمی و گروه­های مبارزه با تروریست، همچون حزب الله و حماس با هدف ایجاد امنیت در منطقه در مقابله با نظام هژمونی امپریالیست آمریکا.

- مستحکم کردن بنیان­های دینی و ترویج مذهب تشیع در برابر فتنه افکنی استعمار نوین که با هدف از هم گسیختگی و نفوذ در اعتقادات و باور ملت­های مسلمان، توسط تبلیغات رسانه­ای دشمنان صورت می­پذیرد.

- ترویج الگوهای جوانمردی و ایثار و شجاعت با معرفی رشادت­ها و نبردهای شخصیتی همچون شهید سلیمانی در میدان­های مختلف زندگی و لقب دادن سردار دلها به وی، باعث شور و اشتیاق جوانان و رزمندگان راه حق و حقیقت در نبرد با دشمنان و حضور پررنگتر در عرصه­های جهادی و ملی شده است.

- معرفی اخلاص و فروتنی و قدرت مدیریت صحیح به عنوان یکی از دلایل کارساز در مقابله با استکبار جهانی در عرصه­های مدیریتی با معرفی شهید سلیمانی در نقش مدیری لایق و شخصیتی با اخلاص که حاصل مکتب اسلام و تربیت یافته نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است.

**منابع:**

- قرآن کریم

- اخلاقی، محمد نبی (1399) نقش استراتژیک سپهبد قاسم سلیمانی بر تغییر موازنه قدرت در منطقه و روابط بین الملل، دومین همایش ملی ادبیات پایداری (با محوریت شهید سپهبد قاسم سلیمانی)، دانشگاه بجنورد.

- اشکرافت، بیل و دیگران (1392) امپراتور وا می­نویسد، ترجمه علی سپهوند، تهران: آریاتبار، پاپ اول.

- پری، بنیتا (1391) «نهادینه کردن مطالعات پسااستعماری» ترجمه جلال فرزانه دهکردی، در مطالعات پسا استعماری، تهران: دانشگاه امام صادق، چاپ اول.

- پور قیومی، ایوب (1386) «طرح خاورمیانه جدید؛ اهداف، چالش­ها و موانع» مجله سیاست دفاعی، سال شانزدهم، شماره 61، صص99-118.

- حاجتی، سمیه (1398) «خوانش پسااستعماری رمان»، ده رمان فارسی در پرتو رویکرد پسا استعماری، انتشارات ماه و خورشید، چاپ اول.

- دلاورپور اقدام، (13/5/86)، «حرب الله و مولفه­های سیاست و امنیت در خاورمیانه»

[www.vijename](http://www.vijename) . Ommatnews.com

- رضوان طلب، زینب و مهراب، مرضیه (1397) بررسی تأثیرات فرهنگی استعمار در آثار ادریس شرایبی در پرتو آراء سزر، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره 23، شماره،2، صص393 تا 414.

- روحی دهنبه، مجید و مرادی کلاره، سجاد، «نقش افزایش قدرت منطقه­ای ایران در سیاست­گذاری شورای همکاری خلیج فارس، فصلنامه پژوهش­های روابط بین الملل، دروه نخست، شماره 18، زمستان 1394.»

- زکریا، فرید (1393) جهان پیا – امریکایی ترجمه احمد عزیزی، تهران: هرمس، چاپ دوم.

- شاهمیری، آزاده، (1389) نظریه و نقد پسا استعماری، تهران، علم، چاپ اول.

- شریعتی، علی (1359) تاریخ تمدن، تهران: بنیاد فرهنگی علی شریعتی، چاپ اول.

- طهماسبی، عالمه و دیگران، (1398) سلیمانی عزیز، قم، نشر حماسه یاران.

- فولادی، مجید رضا (1393) بررسی ابعاد جنگ رسانه­ای استعمار جدید (فرانو) در خاورمیانه، (مطالعه وردی ایران) دانشگاه گیلان،پردیس دانشگاهی گروه علوم سیاسی، گرایش روابط بین الملل.

- قنبری، مسعود (1399) نقش شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی در ارتقای صلح و امنیت منطقه و جهان اسلام،دومین همایش ملی ادبیات پایداری با محوریت شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، دانشگاه بجنورد.

- کرامتی مشکینی، مرتضی، (1399) سرباز ولایت، حاج قاسم سلیمانی، تهران: قاف اندیشه.

- کریسمن، لورا (1386) «ملی گرایی و مطالعات پیا استعماری» ترجمه احمد محمد پور، و مهدی رضایی، فصلنامه زری بار، سال 11، شماره 63، صص 31-50.

- مجلسی، محمد باقر، (1403ق) بحارالأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- مصطفی نژاد، عباس (1391)، «پیامدهای بیثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه» فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره سوم. صص35-59.

- ملا ابراهیمی، عزت و دیگران، (1399)سلیمانی سروده­ها در رهگذر ادب فارسی و عربی، دومین همایش ملی ادبیات مقاومت (با محوریت شهید سپهبد قاسم سلیمانی)، دانشگاه بجنورد.

- مهروان­فر، ابوذر (1397)، برادر قاسم- سیری در اندیشه حاج قاسم، مشهد، نشر مهر امیرالمومنین (علیه السلام).

- وطن آبادی، شعله (1382) «گفتمان پسا استعماری» ماهنامه بابا، شماره 20، صص 30 تا33.

- Kohn, Margaret (20014) colonism, The stanford Encyclopedia of philosophy (spring Edition), Edward N. Zalta (ed.), Url = HTTPS:Plato. Stanford.edu spr2014 entries coionialism.

- Gilbert, Helen (1996) Postcolonial Drama: Theory, practice, politics. Lonon:Routledge.

Bart- Moore, Gilbert. (1997)

**Postcolonial insights in the struggle against the imperialist challenge based on the strategic role of Sardar Soleimani**

**Abstract:**

Colonialism, like imperialism, involves political and economic control in a dependent region. Colonialism extends beyond political settlements and its effects on language, education, religion, art, and increasingly on public culture. The strategic developments in the Middle East as the main axis of the balance of power in the region and the Islamic world have attracted the attention of actors in international politics, and each of these actors has competed for development and influence in the Middle East and achieving their goals. The United States, a major player in the Middle East, has sought to prevent other rivals from gaining power and balancing the region by controlling the pulse of the region's political and economic security; Iran, as a regional superpower, is not indifferent to the events in the Middle East, and by creating a map and participating in various political, economic and cultural fronts, in the face of any injustice and demagogic policies of the enemies of Islam and Iran. ع The action is shown. The present article uses a descriptive-analytical method to examine the types of colonialism and imperialist ideologies of the enemies and the role of Martyr Soleimani in neutralizing the tactics of the enemies in preventing the exploitation and exploitation of the region. The character of this high-ranking martyr as a model of his courage, self-sacrifice and bravery in the face of the colonialism of the enemies of Islam and Iran has been very effective in establishing security in the Islamic world and especially in the Middle East.

**Keywords:** Anti-colonialism, Imperialism, Middle East, Strategic, Martyr Ghasem Soleimani.